



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۷/۰۶

سید هاشم سدید

بدون بررسی همه جانبه یک مطلب، نباید داوری کرد!

برای اینکه بدانیم محمد موسی شفیق، شاه، نمایندگان هر دو مجلس و محمد داود خان با امضا، تائید و مبادله معاهده آب هیرمند، که در سال ۱۳۵۱ میان افغانستان و ایران امضا شد کار نیکو کرده اند یا نه، لازم است سخن در این باب را از زمان امضای معاهده آب هیرمند نه، بلکه حداقل از "115 - 116" سال قبل از آن تاریخ در نظر گرفت . کار تحقیقی قاعدتاً آن است که برای ارزیابی یک مورد نه یک بُعد آن مورد، بلکه به همه ابعاد و زوایای آن توجه شود و همه جزئیات آن مورد بررسی قرار گیرد .

منظور اینکه برای تعیین خوبی/بدی شخصیتهای یاد شده، و کاری که کردند، بهتر است از قصه خوانی ها بگذریم و بجای آن از سالها قبل، خاصتاً از سال 1857 بر اساس واقعیت ها ارائه مدرک کنیم. از زمانیکه ایران خواست پای انگلیس ها را بنام میانجی برای مشخص ساختن سرحدات میان ایران و افغانستان و تقسیم غیرمنصفانه، سیری ناپذیر و مستکبرانه آب دریای هیرمند به میان بکشد- کم از کم !

از زمان کوشش های خستگی ناپذیر و ممتدی که بالاخره، اما خلاف میل و اشتهای بزرگ ایران، منتج به امضای معاهده آب هیرمند در حوت سال 1351 شد، باید شروع کنیم .

مطابق ماده ششم معاهده پاریس، ایران متعهد شده بود که تمامی اختلافات خود با افغانستان را غرض داوری به دولت انگلستان ارجاع دهد ؛ و انگلستان هم تعهد کرده بود این اختلافات را عادلانه و با در نظر داشت آنچه حق است(!)، حل نماید .

مشکل دقیقاً اما در سال 1872، زمانی که وزارت خارجه انگلستان در اثر تقاضای ایران ژنرال گلدسمیت را مامور رسیدگی به مشکلات مرزی میان دو طرف دعوا کرد، شکل جدی بخود گرفت؛ حدودی 99 سال پیش از سقوط سلطنت در افغانستان .

طی این داوری، که همه مربوط به تعیین سرحدات دو کشور بود و سال بعد هر دو طرف آن را پذیرفتند، یک بند در رابطه با آب دریای هیرمند هم اضافه شده بود. بر وفق این بند، هیچ یک از دو طرف نباید دست به کاری میزد، که در نتیجه موجب کسر آب لازم برای آبیاری سواحل این دریا می شد .

این بند آشکارا به نفع ایران بود. به همین دلیل ایران بعد ها در چندین مورد حق عملی ساختن آن را از سوی افغانستان تقاضا نمود؛ حتی با تهدید و هشدار ها!

مشکل اما در همینجا حل نشد، زیرا ایران، در اثر عطش زیاد و بروز اختلافات جدید، موضوع را کمی قبل از پادشاه شدن امیر عبدالرحمن خان باز هم با دولت انگلستان در میان گذاشته تقاضای داوری و حکمیت مجدد نمود .

یک سال از پادشاهی امیری به اصطلاح آهنین گذشته بود که یکی از افسران دیگر انگلیس بنام "مک موهن" برای رسیدگی شکایت مجدد ایران علیه افغان ها، تعیین شد .

مامور مذکور بعد از کم و بیش سه سال، مقدار آبی را که به ایران داده می شد، معین کرد. ولی، با این هم قناعت ایران فراهم نشد. در نتیجه اختلافات ایران با افغانستان بر سر آب تا زمان پادشاهی محمد نادر خان کماکان ادامه یافت (هدف جلب توجه خوانندگان عزیز به این نکته است که، قضیه ای که اینقدر بیخ داشت، بالاخره خلاف میل ایران، که گاهی نیم، گاهی سه حصه و گاهی هم اضافه تر از سه حصه آب را تقاضا داشت، حل شد. نکته قابل تامل و مثبتی برای سیاستمداران ما، که به هیچ وجه نباید در کتمان آن سعی ورزید !

ناگفته نباید گذاشت که در دورانی که علی محمد خان وزیر خارجه افغانستان بود نیز، میان افغانستان و ایران اعلامیه مشترکی در مورد مقدار آبی که باید همه ساله به ایران داده می شد، به امضا رسید؛ اما هیچ یک از دو مجلس کشور ما آن قرار را تصویب نکردند. همچنان در ملاقات هایی که میان نماینده دولت ترکیه منحیث حکم با نمایندگان دولت های افغانستان و ایران، هرچند این ملاقات ها برای حل کشیدگیهای مرزی صورت می گرفتند، پیرامون مشکل آب هم صحبت های شد...

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولی

هشدار های پی در پی نمایندگان سیستان و بیرجند و قاننات و... به دولت ایران، و هم افغان ها، در مجلس شورای ملی ایران، به تیرگی گراییدن هرچه بیشتر روابط ظاهراً آرام میان دولتهای ایران و افغانستان، به خصوص تعیین ضرب الاجل پانزده روزه ایران در زمان پادشاهی محمد رضا شاه برای گردن نهادن افغانها به حکمیت جنرال گلدسمیت، زد و خورد های مقطعی میان مردم در دو طرف مرز، تهدیدات مکرر ایران به شکایت از افغانستان به مراجع بین المللی و بالاخره تصمیم امریکا برای ظاهراً میانجیگری میان ایران و افغانستان، پنج سال قبل از امضای معاهده هیرمند توسط محمد موسی شفیق، بنابر اراده شاه، و پیشنهادی را که دولت امریکا برای حل مشکل ایران - افغانستان تهیه و به طرفین ارائه نمود بود، دولت افغانستان برای نشان دادن حسن نیت و کسب وجهه مطلوب تر در جهان، حاضر شد مقداری آب به مردم نیازمند آن طرف مرز که پیوند قومی با مردمان سیستان این طرف سرحد دارند، عنایت کند .

مطابق پیشنهاد یاد شده امریکا، باید کمیسیون فنی سه نفره ای از کشور های بی طرف، البته به انتخاب افغانستان و ایران برای بررسی خواسته های طرفین تعیین می شد. بروفق این پیشنهاد هیئتی سه نفره ای از دولتهای کانادا، امریکا و چیلی تعیین شد و در آخر کار بعد از عالمی بگو و مگو، معاهده آب دریای هیرمند در ماه حوت سال 1351 میان دو کشور به امضا رسید، اما نه با دادن نصف، سه چهارم و یا بیشتر از سه چهارم آب به ایران، بلکه خیلی کمتر از یک ششم آن !

با توجه به این مختصر، به اعتقاد نگارنده این سطور، نباید شاه و شفیق و داوود و مجلسین را بخاطر این کار ملامت نمود، بخصوص وقتی تعامل دادن مقداری آب از سوی مناطق یا کشور های بالادست به کشور های پایان دست، از سالیان درازی در جهان رواج داشت و دارد ...

برای درک دشواری های یک امر، باید در جریان کار بود. یا اینکه شاهد فرایند آن کا با همه جزئیات مسئله بود .